

۲۰۱۹۶۲۵

شوی معنوی

دفتر چهارم

مولانا جلال الدین محمد بلخی

بر اساس نسخه رینولد نیکلسون

به کوشش:

احمد ایمان زاده

www.ketab.ir

سرشناسه

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۳ق.
Mowlavi ۱۲۰۷-۱۲۷۳, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad,

عنوان قراردادی

مثنوی، برگزیده

Masnavi. Section

عنوان و نام پدیدآور

مثنوی معنوی: دفتر چهارم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی براساس نسخه‌ی رینولد نیکلسون/ مولانا

جلال‌الدین محمد بلخی؛ بر اساس نسخه رینولد نیکلسون؛ به کوشش احمد ایمان‌زاده؛ ویراستار نسربین مهربان.

مشخصات نشر

تهران: کلک فرزانه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری

۱۶۳ ص.؛ ۱۴×۵/۲۱×۵/۵ س.م.

شابک

۲۴۰۰۰ ریال ۱-۱۴-۶۵۷۸-۶۷۸-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی

فیا

یادداشت

کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب "مثنوی معنوی" اثر مولوی است.

عنوان دیگر

دفتر چهارم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی براساس نسخه‌ی رینولد نیکلسون.

موضوع

شعر فارسی -- قرن ۷ق.

موضوع

-- Persian poetry ۱۳th century

شناسه افروده

نیکلسون، رنلد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۲۵م. مصحح

شناسه افروده

Nicholson, Reynold Alleyne

شناسه افروده

ایمان‌زاده، احمد، ۱۳۷۰ -، گردآورنده

رده بندی کنگره

۱/ ۵۲۹۹ PIR ۱۳۹۸ ب

رده بندی دیویی

۳۱/۱۶۹۸

شماره کتابشناسی ملی

۵۵۷۲۵۹۸



کلک فرزانه

ادرس:

تهران، خیابان برادران گوه‌ری ده متری

ارامنه کوچه شهید محمودی پلاک ۲ طبقه ۴

تلفن: ۸۸۴۷۰۲۵۲

نام کتاب: مثنوی معنوی

دفتر چهارم

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

به کوشش: احمد ایمان‌زاده

صفحه آرابی: محمد علیزاده

ویراستار: نسربین مهربان

ناشر: انتشارات کلک فرزانه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۱-۱۴-۶۵۷۸-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۳	تمامی حکایت آن عاشق که از عَنَس گریخت در باغی
۱۴	حکایت آن واعظ که در آغاز تذکیر دعای طائمان
۱۶	سؤال کردن از عیسی که در وجود از همه صعب‌تر
۱۶	قصه خیانت کردن عاشق و بانگ بر زدن معشوق بر وی
۱۸	قصه آن عسلی که زن خود را با بیگانه‌یی بگرفت
۱۹	معشوق را زیر جاذب بهان کردن جهت تبیس و
۲۰	گفتن زن که او در بند جهاز تبست مراد او مقبر
۲۱	غرض از سمیع و بصیر گفتن خدا را
۲۲	مثال دنیا چون گلخن و تقوا چون حمام
۲۳	قصه آن دباغ که در بازار عطاران از بوی
۲۴	معالجه کردن برادر دباغ دباغ را به خفیه به بوی سرگین
۲۵	عذر خواستن آن عاشق از گناه خویش به تبیس
۲۶	رد کردن معشوقه عذر عاشق را و تبیس او را در زری
۲۷	گفتن آن جهود علی را کَرَمُ اللَّهِ وجهه که اگر
۲۹	قصه مسجد اقصی و خروب و عزم کردن داوود
۳۰	شرح اَمَّا الْمُؤْمِنُونَ اخوةٌ وَالْعُلَمَاءُ كُنُفٌ واحِدَةٌ
۳۲	بقیه قصه بنای مسجد اقصی
۳۳	قصه آغاز خلافت عثمان و خطبه وی در بیان
۳۵	در بیان آنکه حکما گویند آدمی عالمه صغری است و حکمای
۳۶	تفسیر این حدیث که مَثَلُ امْتِي كَمَثَلِ سَنِيْمَةِ نُوحٍ مَثَلُ

- ۳۷ قصه‌ی هدیه فرستادن بلقیس از شهر سیا سوی سلیمان ۷
- ۳۸ کرامات و نور شیخ عبداللّه مغربی
- ۳۹ بازگرداندن سلیمان رسولان بلقیس را به آن هدیه‌ها
- ۴۰ قصه‌ی عطّاری که سنگ ترازوی او گل سرشوی بود
- ۴۱ دنداری کردن و تراختن سلیمان مر آن رسولان را
- ۴۲ دیدن درویش جماعت مشایخ را در خواب و درخواست
- ۴۳ نیت کردن از که این زر بدم بدان هیردکش چون من روزی
- ۴۴ تحریر سلیمان بر رسولان را بر تعجیل هجرت
- ۴۵ سبب هجرت ابراهیم ادهم و ترک ملک خراسان
- ۴۶ حکایت آن مرد گفته که از سر جوزین حورا می ریخت
- ۴۷ تهدید فرستادن سلیمان پیش بلقیس که خسرو
- ۴۹ پیدا کردن سلیمان که مرا خائفاً لامرآنّه جهد
- ۵۰ باقی قصه‌ی ابراهیم ادهم
- ۵۰ بقیه‌ی قصه‌ی اهل سبا و نصیحت و ارشاد سلیمان آن
- ۵۱ آزاد شدن بلقیس از ملک و سست شدن او از شوق
- ۵۳ چاره کردن سلیمان در احضار تخت بلقیس از سبا
- ۵۴ قصه‌ی یاری خواستن حلیمه از بنان چون عقیب
- ۵۵ حکایت آن پیر عرب که دلالت کرد حلیمه را به استعانت بنان
- ۵۷ خبر یافتن جدّ مصلطی عبدالمطلب از که کردن حلیمه
- ۵۹ نشان خواستن عبدالمطلب از موضوع محمد که
- ۶۰ بقیه‌ی قصه‌ی دعوت رحمت بلقیس را
- ۶۰ مثل قانع شدن آدمی به دنیا و حرص او در طلب و غفلت
- ۶۳ بقیه‌ی قصه‌ی عسارت کردن سلیمان مسجد اقصی را به
- ۶۵ قصه‌ی شاعر و صله دادن شاه و مضاعف کردن آن
- ۶۵ باز آمدن شاعر بعد چند سال به امید همان صله و هزار
- ۶۹ مانستن بد رأیی این وزیر دون در افساد سرّوت
- ۷۰ نشستن دیو بر مقام سلیمان و تشبه کردن او به

- در آمدن سلیمان هر روز در مسجد النبی بعد از ۷۱
- آموختن پیشه‌ی گورگنی قایل از زانغ پیش از آنکه ۷۲
- قصه‌ی صوفی که در میان گلهستان سر بر زانوی ۷۴
- قصه‌ی راستن خرب در گوشه‌ی مسجد اقصی ۷۵
- بین آنکه حصول علم و مال و جاه سر بلد گوه‌ران را قضیحت ۷۸
- تفسیر یا ایها المؤمنین ۷۸
- در بیان آنکه ترک الجواب جواب مقرر این سخن که جواب ۸۰
- در تفسیر این حدیث مقطعی که ان الله تعالی خلق ۸۱
- در تفسیر این آیت که و اما الذین فی قلوبهم مرض ۸۲
- چالش عقل یا نفس همچون تنازع مجنون با نافع بیل مجنون ۸۲
- نوشتن آن غلام قصه‌ی شکایت نقصان اجری سوی پادشاه ۸۴
- حکایت آن فقید با دستار بزرگ و آنکه بر بود دستارش و ۸۵
- تصحیح دنیا اهل دنیا را به زبان حال و بی وفایی ۸۵
- بیان آنکه عارف را عذایی است از نور حق که آیت عید ربی ۸۷
- تفسیر او جس فی نفسه جفته موسی قلنا لا تخف ۸۹
- زجر مدعی از دعوی و امر کردن او را به متابعت ۹۰
- بقیه‌ی قصه‌ی نوشتن آن غلام رقعده به ضلب اجری ۹۱
- حکایت آن مداح که از جهت ناموس شکر ممدوح می‌کرد ۹۲
- در یافتن طبیبان الهی امراض دین و دل را در سیمای مرید ۹۴
- مژده دادن ابویزید از زادن ابوالحسن خرقانی پیش از ۹۵
- قول رسول الله لا تجد نفس الرحمن من قبل النضر ۹۶
- نقصان اجرائی جان و دل صوفی از ضعام الله ۹۷
- آشنایی آن غلام از نارسیدن جواب رقعده از قیل پادشاه ۹۹
- کز وزیدن باد بر سلیمان به سبب زلت او ۹۹
- شنیدن شیخ ابوالحسن خیر دادن ابویزید را ۱۰۰
- رقعه‌ی دیگر نوشتن آن غلام پیش شاه چون جواب ۱۰۱
- قصه‌ی آنکه کسی با کسی مشورت می‌کرد گفتش ۱۰۳

۱۰۴. امیر کردن رسول جوان هذیلی را بر سریدی که
 ۱۰۵. اعتراض کردن معترضی بر رسول بر امیر کردن
 ۱۰۸. جواب گفتن مصطفی اعتراض کننده را
 ۱۰۹. قصه‌ی سبحانی ما اعظم شأنی گفتن ابویداد
 ۱۱۱. بیان سبب فصاحت و بسیار گویی آن فضول
 ۱۱۱. بیان رسول سبب تفصیل و اختیار کردن او آن
 ۱۱۳. علامت عاقل تمام و علامت نیم عاقل و مرد تمام و
 ۱۱۳. قصه‌ی آن آنگیز و سیادان و آن سه ماهی یکی
 ۱۱۴. سر خواندن و شوکننده اوراد و ضو را
 ۱۱۴. شخصی به رقت استعجاب می گفت اللهم ارحمني رايحة الجنة
 ۱۱۶. قصه‌ی آن مرغ گرفته که وصیت کرد که بر گذشته پشیمانی
 ۱۱۷. اجازه اندیشیدن آن ماهی نیم عاقل و خود را سرده کردن
 ۱۱۸. بیان آنکه عهد کردن احق وقت گرفتاری و ندیم هیچ وفایی
 ۱۱۸. در بیان آنکه و هم قلب عقل است و ستبرای اوست بدو
 ۱۲۰. بیان آنکه عبادت در ویرانی ست و جمعیت در پراکندگی ست
 ۱۲۲. بیان آنکه هر حسن سدرکی را از آدمی نیز سدرکاتی دیگر
 ۱۲۵. حمله بردن این جهانیان بر آن جهانیان و تاختن بردن نام
 ۱۲۶. بیان آنکه تن خاکی آدمی همچون آهن نیکو جوهر قابل
 ۱۲۷. با گفتن موسی امیر فرعون را و واقعات او را ظهیر
 ۱۲۸. بیان آنکه در نامه باز است
 ۱۲۸. گفتن موسی فرعون را که از من یک پند قبول کن
 ۱۲۹. شرح کردن موسی آن چهار قضیبت را جهت
 ۱۳۰. تفسیر کُنْتُ كَلْبًا مُحْتَمِلًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ
 ۱۳۱. غرض شدن آدمی به ذکاوت و تصویرات طبع خویشین
 ۱۳۱. بیان این خبر که گفتوا الناس على قدر عقولهم
 ۱۳۲. قوله من بشرى بخروج صغر بشره بالجنة
 ۱۳۲. مشورت کردن فرعون با افسیه در ایمان آوردن به موسی

- ۱۳۴ قصه‌ی بازپادشاه و کمبیز زن
- ۱۳۵ قصه‌ی آن زن که خلیل او بر سر نادران غریب و خضر
- ۱۳۸ مشورت کردن فرعون با وزیرش هامان در ایمان
- ۱۳۹ تزیینت سخن هامان علیه العنة
- ۱۴۰ نوید شدن موسی از ایمان فرعون به تأثیر کردن
- ۱۴۱ ملازمت امیران عرب با مصطفی که ملک را مناسبست کن
- ۱۴۲ در بیان آنکه شناسای قدرت حق نرسد که بهشت
- ۱۴۳ جواب دهری که منکر الوهیت است و عالم را قدیم می‌گوید
- ۱۴۵ تفسیر این آیه که مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا
- ۱۴۷ وحی کردن حق تعالی به موسی که ای موسی من که
- ۱۴۸ خشم کردن پادشاه بر ندیم و شفاعت کردن شفیع آن
- ۱۵۰ گفتن خلیل مویجریل را چون پرسیدش که
- ۱۵۱ مضائقه کردن موسی حضرت را که خَلَقْتُ خَلْقًا و
- ۱۵۲ بیان آنکه روح حیوانی و عقل جزوی و وهم و خیال بر مثال
- ۱۵۳ مثال دیگر هم در این معنی
- ۱۵۵ حکایت آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به وی زوی نمود
- ۱۵۶ غروس آوردن پادشاه فرزند خود را از خوف انقطاع نسل
- ۱۵۷ اختیار کردن پادشاه دختر درویش زاهدی را از
- ۱۵۸ مستجاب شدن دعای پادشاه در خلاص پسرش از
- ۱۶۰ در بیان آنکه شهزاده آدمی بچه است خلیفه‌ی خداست
- ۱۶۲ حکایت آن زاهد که در سال قحط شاد و خندان بود با مقلسی
- ۱۶۳ بیان آنکه مجموع عالم صورت عقل کل است چون با عقل
- ۱۶۴ قصه‌ی فرزندان غریز که از پدر احوال پدر می‌پرسیدند
- ۱۶۵ تفسیر این حدیث که اِنِّی لَا اَسْتَغْنِی اللّٰهَ فِی کُلِّ یَوْمٍ سَبْعِیْنَ مَرَّةً
- ۱۶۶ بیان آنکه عقل جزوی تا به گور بیش نبندد در باقی
- ۱۶۷ بیان آنکه یا اَیُّهَا النَّاسُ اَمْسُوا لَا تَقْدُمُوا بَیْنَ یَدِی اللّٰهِ وَرَسُولِهِ
- ۱۶۹ قصه‌ی شکایت استر به شتر که من بسیار در زو

- تصدیق کردن دستر جواب‌های شتر را و اقرار آوردن به فضل ۱۷۰
- لایه کردن قبطی سبطی را که یک سبزه نیت خویش از نیل ۱۷۱
- در خواستن قبطی دعای خیر و هدایت از سبطی و دعا کردن ۱۷۲
- حکایت آن رسیدگار که شوهر را گفت که آن خیالات از ۱۷۳
- باقی قصه‌ی سحرسی ۱۷۴
- اصطوار و منار حنکت آدمی از ابتدا ۱۷۵
- بیان آنکه خلق در رخ گرسنگانند و نالانند به حق ۱۷۶
- رفیق ذوالقرنی به کوه قاف و درخواست کردن که ای کوه ۱۷۷
- موری بر کاغذ می‌رفت نبشتن قلم دید قلم را ستودن ۱۷۸
- تمودن جلاله خود را به مصطفی به صورت خویش ۱۷۹

مقدمه

الظن الرابع. إلى احسن المرافق. و أجل المنافع. لسر قلوب العارفين بمعانيه كسرور الرياض بقرب الخدام. و انس العيون بطيب الختام فيه الرزاق الأرواح و شدة الاشباح. و هو كما يستهيه المختصون و يهوونه. و يضيه السالكون و يتمونه النعمون قرة. و للنفوس مسرة. اطيب الثمار لمن اجتني. و أجل المرادات و النسي. موعيل التعميل إلى طيبه. و هادي المحب إلى خبيته. و هو محمد الله من اعظم المواهب. و انفس الرغبات. مجدّد عهد الآله. منهل غير اصحاب الكلفة. يزيد الفقر فيه اسفا لمن بعد. و سرور و شكر لمن سعد. تظن عبده ما لم يتظن عبود الغيبت من الخلل. جزء من اقل العالم والعمل. فهو كبد رضع. و جد رجع. رابد على تامل الامين. رابد لزود العامين. يرفع الأمل بعد الخفاضة. و يسطر الرجاء بعد انقضاذه. كشمس اشرق. من بين عمام تفرقت. نور لأصحابنا و كبر لا عقابنا. و نسأل الله التوفيق لشكره فان الشكر قيد العبد و عبود يزيد. و لا يكون إلا ما يريد.

و بما شجاني اني كنت نائما	اعل من برود بطيب التمام
إلى ان دعت ورفاه في غصن ألكة	تفرّد مكنها بحسن التمام
قلو قبل مكنها بكيت صباة	للعبد شئت النفس قبل التمام
ولكن بكت قبل فتهج النكا	نكسها ففتت الفضل التمام

رحم الله المتقدمين والمتأخرين والمتجربين والمبتدئين بفضله وكرمه. و حبل الآله و بعده. فهو خير مسلمون. و أكرم مأمول. و الله خير حافظا و هو الرحمة الزاحسين و خير المؤمنين و خير الوارثين و خير محبب و ربي للعابدين الزارعين الجارئين. و سأل الله على محمد و على جميع الانبياء والمرسلين أمين يا رب العالمين.